

نقد روایت «طائر» در مدخل «شهید» دایرةالمعارف قرآن لیدن

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۵ - تاریخ تأیید: ۹۷/۴/۳۰

زهره اخوان مقدم^۱

نعیمه تقوی فردود^۲

چکیده

بحث درباره «منزلگاه شهید بلافاصله پس از شهادت و پیش از رستاخیز» از موضوع‌های مورد توجه محققان دینی همچون: متکلمان، مفسران و مستشرقان بوده و این توجه ویژه، منجر به تألیف آثاری در این زمینه گردیده است؛ «ویم ریون» (مستشرق معاصر) در مقاله‌ای که تحت عنوان «شهید» در دایرةالمعارف قرآن به چاپ رسانده، درباره منزلگاه شهیدان، نظراتی را مطرح و تحلیل کرده است؛ در این نوشتار، «جایگاه بلافاصله شهید پس از شهادت» در بستر آیات قرآن و احادیث معتبر بررسی و نظری مستند ارائه می‌شود؛ سپس دو دیدگاه «ریون» در این موضوع، که دارای مبنای روایی است، بیان شده و پس از بررسی صحت استناد آن و باتکیه بر نظریه برگزیده، به تحلیل محتوایی آن پرداخته می‌شود؛ در نهایت نوشتار حاضر به نقد دیدگاه سومی پرداخته که «ریون» آن را پذیرفته و اساس آن را روایتی می‌داند که نام آن را «طائر» گذارده است؛ با نقد این روایت از طرق عقلی، نقلی و تاریخی کشف می‌شود که روایت مذکور به دلیل داشتن نشانه‌هایی از مسئله تناسخ و همچنین تناقض این روایت با روایات دال بر جسم مثالی و تناقض با جایگاه و کرامت شهید و نیز به علت داشتن آثاری از عقاید انحرافی فرقه زیدیه، ساختگی و جعلی است.

کلیدواژه‌ها: روایت طائر، بهشت برزخی، منزلگاه شهید، ویم ریون.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن تهران؛ (dr.zo.akhavan@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، نویسنده مسئول؛ (naimeh_taghavi@yahoo.com).

مقدمه

آیات و روایات بسیاری بر «مقام ویژه شهادت» و «مکان بهشتی شهیدان» دلالت می‌کند. بر کسی پوشیده نیست که شهیدان اسلام، جایگاهی بسیار نیکو دارند؛ باتوجه به روایات، یکی از درهای بهشت، تنها به روی شهید گشوده می‌شود. «جایگاه شهید بلافاصله پس از شهادت» یکی از موضوع‌های مورد بحث متکلمان، اسلام‌شناسان و نیز شرق‌شناسان است. از میان خاورشناسان، «ویم ریون»^۱ مدخلی تحت عنوان «شهید»^۲ در دایرةالمعارف قرآن^۳ نگاشته که در بخشی از آن به بررسی این موضوع پرداخته است؛ ریون در این مقاله بحث شهادت را در چهار قسمت کلی تعریف نموده است: واژه شناسی «شهید»، شهادت در آیات، شهادت در روایات و شهادت در عصر مدرن. معرفی دقیق‌تر مدخل «شهید» عبارت است از:

این مقاله همچون دیگر مقاله‌های دایرةالمعارف، ابتدا تعریفی کوتاه از «شهید» ارائه و سپس تفاوت آن بین مذاهب شیعه و سنی و همچنین مسیحیت را بیان نموده است؛ پس از آن، نویسنده به ریشه‌شناسی و واژه‌پژوهی کلمه انگلیسی «martyr» می‌پردازد؛ سپس ریون آیه‌ای از قرآن کریم درباره «شهادت»، «زنده بودن شهیدان» و «جایگاه بهشتی شهید» می‌آورد و در چند جمله کوتاه نظرات خود را ارائه می‌دهد. بحث «روایی» این مدخل مفصل‌ترین بخش این مقاله را تشکیل می‌دهد؛ در این بحث ریون ابتدا اشاره به گستردگی روایات مرتبط نموده و چند مورد از آنان را به صورت گزینشی در مقاله خود می‌گنجاند. در

1. Wim Raven.

2. Martyr.

۳. دائرةالمعارف قرآن، در پنج جلد مشتمل بر قریب هفتصد مدخل به زبان انگلیسی، از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۶ میلادی در انتشارات بریل هلند، چاپ و منتشر شده است. سرویراستار این مجموعه جین دمن مک اولیف (Jane Dammen McAuliffe) استاد دانشگاه جرج تاون آمریکا است. مدخل‌ها در دایرةالمعارف قرآن با نظم الفبایی متداول آورده شده‌اند. بیشترین میزان مقالات به مطالبی راجع به اشخاص، مفاهیم، اماکن، ارزش‌ها، اعمال و وقایعی که یا در درون متن قرآن یافت می‌شوند و یا ارتباط قابل توجهی با متن دارند، مربوط است؛ برای مثال: مدخل «ابراهیم» شخصیتی را در داخل متن قرآن مورد بحث قرار می‌دهد، درحالی‌که مدخل «ادیات آفریقایی و قرآن» درباره یک ارتباط ادبی است؛ دسته دیگر از مقالاتی که در دائرةالمعارف به کار گرفته شده‌اند، برخوردهای مقاله‌ای با موضوعات مهم در زمینه پژوهش‌های قرآنی است. (رک: «بررسی دائرةالمعارف لیدن»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۱، ص ۵۱).

نهایت، مقاله با بحث شهادت در عصر مدرن که به دو قسمت شهادت در «ایران» و «لبنان و فلسطین» تقسیم شده، پایان می‌پذیرد. از میان آثار نگاشته شده در زمینه مطالعات استشراقی درباره جهاد و شهادت می‌توان به مقاله «مقایسه بین مفهوم شهادت در مسیحیت و اسلام» از ابوالفضل عزتی اشاره نمود. نظرات ریون در این زمینه علاوه بر آنکه قابل نقد است، خواننده را حین مطالعه با شبهات و سؤالاتی روبه‌رو ساخته و تناقض‌هایی را در ذهن ایجاد می‌کند.

از دیدگاه قرآن، انسان‌ها پس از مرگ به مکانی به نام «برزخ» منتقل می‌شوند؛^۱ برزخ توقفگاه و حایلی بین دنیا و آخرت است؛ «البرزخ هو امر بین امرین و هو الثواب و العقاب بین الدنیا و الآخرة»؛^۲ مؤمنان در بهشت برزخی و گنهکاران در جهنم برزخی‌اند. وجود برزخ امری روشن و از اعتقادات مسلم است که توضیحات روشن آن را در قرآن و روایات می‌توان مشاهده کرد؛ اما توجه به مسائلی همچون «وجود کنونی بهشت و جهنم»، «زنده‌بودن شهید» و... ممکن است برای افرادی همچون ریون شبهه ایجاد کند که آیا شهدا پس از مرگ در «بهشت جاویدان» هستند یا در نزدیکی بهشت؟ آنچه ریون را به مسئله داخل بهشت بودن شهید پس از شهادت سوق می‌دهد، عباراتی همچون «فی الجنة» در آیات و روایات است؛ اما دلایلی وجود دارد که حضور شهیدان پس از شهادت در «بهشت جاودان» را نفی کرده و ثابت می‌کند که شهید در بهشت برزخی بوده و در روز قیامت به همراه دیگر بهشتیان وارد بهشت جاودان خواهند شد؛ در ذیل به دو دلیل اشاره می‌شود:

دلیل اول: واژه «جنة» مطلق است و افزون بر اشاره به بهشت جاودان، به بهشت برزخی نیز اشاره دارد؛ در روایتی چنین آمده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ فِي
حُجْرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِهَا وَيَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِهَا وَيَقُولُونَ رَبَّنَا
أَقِمِ السَّاعَةَ لَنَا وَانْحَرْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا وَالْحَقُّ آخِرُنَا بِأَوْلَانَا؛^۳ ابوبصیر می‌گوید:

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره ارواح مؤمنان پرسیدم؛ فرمود: آنان در اتاق‌هایی در بهشت هستند که از غذای آنجا می‌خورند و از نوشیدنی آنجا می‌نوشند و

۱. به آیه «و من وراءهم برزخ» اشاره دارد؛ (مؤمنون، آیه ۱۰۰).

۲. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۱۴.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۴۴.

می‌گویند: خدایا قیامت را برای ما به پا دار و هر آنچه به ما وعده داده‌ای را انجام رسان و آخرمان را به اولمان ملحق کن.

در این روایت، مؤمنان در «جَنَّة» از نعمت‌های بهشتی بهره‌مند می‌شوند؛ اما از خداوند وقوع قیامت را می‌خواهند تا به آنچه به آنان وعده داده شده، برسند؛ زیرا قیامت برای مؤمنان به منزله ورود به بهشت جاودان و نعمت‌های خاص و برتر است؛ بنابراین، منظور از «جَنَّة» در این روایت - که از طرق مختلف نقل شده - «بهشت برزخی» است؛ همچنین در سوره یس، شرح حال فرد مؤمنی آمده است که قرآن از سرنوشت او چنین خبر می‌دهد:

﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ = بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾^۱.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد:

خطاب در این آیه به رجل نامبرده است - به طوری که از سیاق برمی‌آید - اشاره می‌کند به اینکه مردم قریه آن مرد را کشتند و خدای تعالی از ساحت عزتش به وی خطاب کرد که داخل بهشت شو. و مؤید این احتمال جمله بعد است که می‌فرماید: ﴿و ما انزلنا علی قومه من بعد﴾، چون در آیه مورد بحث، جمله ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ﴾ به جای خبر از کشته شدن مرد نشسته تا اشاره باشد به اینکه بین کشته شدن آن مرد به دست مردم قریه و ما بین امر به داخل شدنش در بهشت، فاصله چندانی نبوده، آن قدر این دو به هم متصل بودند که گویی کشته شدنش همان و رسیدن دستور به داخل بهشت شدنش همان و بنابراین مراد از «جَنَّة» بهشت برزخ است نه بهشت آخرت.^۲

بنابراین، از «بهشت برزخی» به عنوان «جَنَّة» یاد می‌شود و روایاتی که جایگاه شهید را «فی الْجَنَّة» معرفی می‌کنند در حقیقت مقصودشان بهشت برزخی است؛ چنان‌که در آیه ذیل از «نار» به عنوان «جهنم برزخی» یاد شده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۳

در این آیه، عذاب قوم نوح، بلافاصله پس از غرق شدن، «نار» معرفی شده که

۱. یس، آیات ۲۶-۲۷.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۱۷.

۳. نوح، آیه ۲۵.

همان جهنم برزخی است.^۱

دلیل دوم: خداوند در روز قیامت، تمام انسان‌ها را زنده گردانیده و آنان را برای حشر جمع می‌کند؛ با حشر و برپایی قیامت، هرکسی روانه منزلگاه ابدی خود- بهشت یا جهنم- می‌شود؛ برخی آیات اشاره به این حقیقت دارند که شهیدان نیز محشور گشته و پس از آن داخل جایگاه جاودانه‌شان می‌شوند؛ آیه ۱۵۸ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿وَلَنْ مَّمَّ أَوْ قَتَلْتُمْ لَالِي اللَّهِ تَحْشُرُونَ﴾؛ و اگر بمیرید یا کشته (شهید) شوید

به سوی خداوند محشور می‌شوید.

از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های بهشت و جهنم اخروی، ابدیت و خلود آن‌هاست و آیاتی که بر خلود در این جایگاه «خالدین فیها» اشاره داشته، اندک نیستند؛ بنابراین بهشتی که خروجی از آن نیست، نمی‌تواند قبل از برپایی قیامت و حشر که تنها یک مرتبه اتفاق می‌افتد، به مؤمنان بهشتی داده شود؛ بلکه مؤمنان پیش از حشر موقتاً در جایگاهی همانند بهشت جاودان یعنی «بهشت برزخی» سکونت دارند. حال اگر شهیدان بلافاصله وارد بهشت ابدی شوند، اصولاً حشر و ورود دوباره در بهشت نباید در مورد آنان مطرح شود؛ زیرا لازمه حشر، خروج از قبر و پیوستن ارواح به اجساد و لازمه آن خروج از بهشت جاویدان است؛ در صورتی که خروج از بهشت طبق آیات قرآنی، امکان‌پذیر نیست.

در این نوشتار ابتدا دیدگاه ریون درباره «منزلگاه شهید» مطرح و سپس روایت طائر- که به عقیده ریون بهترین و میانه‌ترین دیدگاه است- نقد خواهد شد.

الف) دیدگاه «ریون» درباره «منزلگاه شهید»

ریون در بخشی از مدخل شهید این پرسش را مطرح نموده است: آیا شهیدان بی‌درنگ پس از مرگ به بهشت می‌روند؟ وی در ادامه می‌نویسد:

مطابق آخرین روایت پیش‌گفته،^۲ شهیدان بی‌درنگ پس از مرگشان در بهشت خواهند بود. روایات دیگر نیز این اندیشه را تقویت می‌کنند. روزی،

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵.

۲. «هنوز خون شهید بر زمین خشک نشده که دو همسرش به ملاقاتش می‌شتابند»؛ (عبدالرزاق، مصنف، ۹۵۶۱؛ ابن ماجه، سنن، جهاد، ۲۷۹۸/۱۶). در اینجا روشن است که شهیدان در همان لحظه مرگشان با همسران بهشتی همراه می‌شوند. (دایرة المعارف قرآن لیدن، ج ۳، ص ۲۸۳).

هنگامی که مؤمنان در حال ستودن لباسی گران بها بودند پیامبر ﷺ از آن‌ها پرسید: «آیا این جامه را می ستایید؟ به آن کس که زندگی‌ام در دستان اوست، دستمال سعد بن معاذ در بهشت از این جامه برتر است»؛ (ابن اسحاق، سیره، ۹۰۳). سعد بر اثر جراحت جنگی از دنیا رفت و به همین سبب شهید و مهمان بهشت به حساب می‌آید.

ریون می‌افزاید:

اما بیشترین تفاسیر در این زمینه گویای این نکته‌اند که شهیدان نزدیک بهشت، نه در بهشت، زندگی جاودانه دارند. «آنان نزد پروردگارشان هستند، با میوه‌های بهشتی پذیرایی می‌شوند و نسیم بهشت را احساس می‌کنند، اما در خود بهشت نیستند»؛ (طبری، تفسیر، ش ۲۳۱۷). یا اینکه «در کنار نهری به نام نهر بارق، در آستانه بهشت، درون خیمه‌گاهی سبزرنگ هستند و روزی آنان روز و شب از بهشت می‌رسد»؛ (ابن اسحاق، سیره، ۶۰۵؛ طبری، ش ۲۳۲۳، ۸۲۱۰؛ ابن حنبل، مسند، ۲۶۶/۱). طبری گفته است تنها امتیاز شهیدان در این است که در برزخ از آنان با طعام بهشتی پذیرایی می‌شود. و هیچ مؤمن دیگری تا پیش از قیامت از این موقعیت برخوردار نخواهد شد؛ (طبری، تفسیر، تصحیح شاکر، ۲۱۶/۳). اگرچه قرآن به روشنی از بهشت به عنوان جایگاه ابدی کشتگان در جنگ سخن گفته، اما تصریح نشده که شهیدان چه هنگامی وارد آن می‌شوند. احتمالاً مفسران در این زمینه با دشواری کلامی مواجه بوده‌اند که اگر شهیدان از پیش در بهشت مستقرند، چگونه در آخرالزمان بدن‌های خونین و مجروح آنان همراه همه انسان‌های دیگر محشور می‌شود؟

ویم ریون پس از بررسی دو دیدگاه در رابطه با جایگاه شهید- ورود بلافاصله به بهشت جاودان یا زندگی در نزدیکی بهشت- دیدگاهی را بر اساس یک روایت که آن را «طائر» می‌خواند، ارائه داده و آن را دیدگاه میانه خوانده و می‌پذیرد و می‌نویسد:

به نظر می‌رسد حدیث مشهور «پرندگان» به دنبال ارائه دیدگاهی بینابینی است؛ ارواح شهیدان نزد خداست و بهشت را مشاهده می‌کنند؛ اما تا پیش از آنکه به بدن‌های خود باز نییوسته‌اند در بهشت اقامت دائم

نخواهند داشت. روایت‌های مختلف این حدیث آن قدر فراوان است که نمی‌توان همه را در اینجا ذکر کرد؛ این روایت در شکل ساده‌اش چنین است: ارواح شهیدان به شکل پرنندگان سفیدی هستند که از میوه‌های بهشتی می‌خورند؛ (عبدالرزاق، مصنف، ۹۵۵۳). ارواح با عباراتی چون «به شکل پرنندگان» یا «مانند پرندگانی نزد خدا» یا فقط «پرنندگان» وصف شده‌اند. همچنین توصیفات دیگری مانند: ارواح «درون پرنندگان» یا در «شکم (جوف) پرنندگان» یا در جسم «پرنندگان سبزرنگ» اند و... آورده شده است؛ این پرنندگان مواد غذایی لازم را از بهشت می‌خورند یا برایشان فراهم می‌شود؛ (عبدالرزاق، مصنف، ۹۵۵۷). یا در هر جای بهشت که بخواهند می‌گردند؛ اما اغلب گفته شده این پرنندگان «در چراغ‌های زرین که از عرش خدا آویزان‌اند (معلقة)، خانه دارند»... در دو نقل از «روایت پرنندگان» آمده است که «ارواح به شکل پرنندگان سبزرنگ بهشتی» در بهشت زندگی می‌کنند. (طبری، تفسیر، ش ۲۳۲۲)؛ و «ارواح شهیدان در بهشت در چادرهای سفیدرنگی‌اند که در هر کدام دو همسر برایشان وجود دارد» (طبری، تفسیر، ش ۲۳۲۴). یا گفته شده آنان یکدیگر را به شکل پرنندگان سفیدرنگ باز می‌شناسند که از میوه‌های بهشتی می‌خورند؛ جایگاه‌شان در نزدیکی سدره المنتهی (نک. نجم: ۱۴)، هر جا که این درخت باشد، است (طبری، تفسیر، ش ۲۳۱۹، ۸۲۱۵).^۱

دیدگاه ریون دربارهٔ منزلگاه شهید بر روایت طائر تکیه دارد؛ اما، آیا این روایت قابل پذیرش است؟ در بخش بعدی به بررسی و نقد این روایت پرداخته می‌شود.

ب) نقد روایت «طائر»

ریون روایت «طائر» را از منابع اهل سنت نقل نموده است؛ گرچه در صحیح بخاری و مسلم این روایت نقل نشده؛ اما شارحان آن‌ها در فتح الباری و عمدة القاری و الدبیاج این روایت را نقل کرده‌اند؛^۲ در منابع دیگر اهل سنت نیز این روایت نقل شده است؛ به عنوان نمونه مؤلف کنزالعمال می‌نویسد:

أرواح المؤمنین فی أجواف طیر خضر تعلق فی شجر الجنة حتی یردها الله تعالی

1. Encyclopaedia of the Qur'an (EQ), 3/283.

۲. رک: الدبیاج علی مسلم، ج ۴، ص ۴۷۹؛ فتح الباری و عمدة القاری، ج ۲۳، ص ۹۸.

إلى أجسادهم يوم القيامة.^۱

اختلاف‌های متنی بسیاری در نقل‌های دیگر این روایت یافت می‌شود؛ از این اختلاف‌ها می‌توان به جایگزین شدن «شجر الجنة» در این روایت با کلمات دیگری همچون: «بشجر الجنة»،^۲ «أثمار الجنة»،^۳ «ثمر الجنة»،^۴ «فی الجنة»^۵ اشاره کرد. برخی از نقل‌های این روایت به قندیل‌های از جنس طلا که از عرش آویزان‌اند، نیز اشاره کرده‌اند که تعبیرهای مختلفی از آن شده است؛ مانند «قنادیل من ذهب فی ظل العرض»،^۶ «قنادیل معلقة فی ظلال عرش»، «و تأوی إلى قنادیل من ذهب»^۷. اختلاف‌های متنی دیگری نیز در خانواده حدیثی این روایت یافت می‌شود. در جوامع اولیه شیعه، ردپایی از این روایت نیست؛ اما منابع معدودی، روایت «طائر» را همانند نقل ریون آورده‌اند؛ در بحار الانوار آمده است:

عَنْ أَبِي الْمُحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ وَ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي صَالِحٍ السَّجَزِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ
سَعِيدٍ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ سَعِيدِ
بْنِ جُبَيْرٍ وَ مِنْهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
فِي سَابِعٍ وَ عَشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مُحَمَّدًا فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ
الْيَوْمَ كَانَ كَفَّارَةً سِتِّينَ سَنَةً وَ يَعْصِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ
فَإِنْ مَاتَ فِي يَوْمِهِ أَوْ فِي لَيْلَتِهِ مَاتَ شَهِيدًا وَ يَجْعَلُ اللَّهُ رُوحَهُ فِي حَوَاصِلِ
طَيْرٍ أَخْضَرَ يَسْرُحُ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ نَصِيبًا فِي عِبَادَةِ
الْعَابِدِينَ وَ الْمُجَاهِدِينَ وَ الشَّاكِرِينَ وَ الدَّاكِرِينَ.^۸

مشابه این روایت در مستدرک وسائل نیز آمده است.^۹ روایت دیگری نیز وجود دارد که از وارد شدن روح مؤمن به «حوصله» پرنده یاد کرده است و به طور

۱. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۷۶.

۲. المعجم الكبير، ص ۱۰۵.

۳. المسند (ابن حنبل)، ج ۱، ص ۲۶۶.

۴. کنز العمال، ج ۴، ص ۵۹۵.

۵. الفتح السماوي، ج ۱، ص ۴۱۹.

۶. المسند (ابن حنبل)، ج ۱، ص ۲۶۶.

۷. الثقات (ابن حبان)، ج ۱، ص ۲۳۳.

۸. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۵۱.

۹. ر.ک: مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۷، ص ۵۱۸.

کلی متن دیگری دارد. روایت از این قرار است:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُخْرِجُ مِنْ وُلْدِي رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ زَيْدٌ يُقْتَلُ بِالْكَوْفَةِ
وَ يُضَلَّبُ بِالْكَنَاسَةِ يُخْرِجُ مِنْ قَبْرِهِ نَبْشًا يُفْتَحُ لِرُوحِهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ يَنْبَهِجُ
بِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ يُجْعَلُ رُوحُهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ أَحْضَرَ يَسْرُحُ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ
يَسَاءُ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْحُسَيْنِ يَا حُسَيْنُ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِكَ رَجُلٌ يُقَالُ
لَهُ زَيْدٌ يَتَخَطَّى هُوَ وَأَصْحَابُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِقَابَ النَّاسِ غُرًّا مُجَلِّينَ يَدْخُلُونَ
الْجَنَّةَ بِلاَ حِسَابٍ^۱.

مشابه این روایت نیز با اختلافاتی در آملی شیخ صدوق ذکر شده است.^۲ بررسی متون و منابع روایت طائر نشان می‌دهد، این روایت در منابع متأخر بازناب بیشتری داشته است. نقدهای جدی بر این روایت وارد است که عبارتند از:

۱. تعارض حدیث «طائر» با عزت و کرامت شهید

شهید از بندگانی است که خداوند او را گرامی داشته و نعمت‌های ویژه‌ای - که برای ما قابل درک نیست - به آنان اعطا می‌کند؛ به همین جهت در سوره یس، از زبان کشته‌آل فرعون آمده است:

﴿... قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ = بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾^۳

در توضیح نوع کرامتی که به این شهید اعطا شده مؤلف تفسیر المیزان می‌نویسد:

موهبت اکرام، دامنه‌اش وسیع است و شامل حال بسیاری از مردم می‌شود؛ مانند: «اکرام به نعمت» که در آیه ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾^۴ آمده و نیز «اکرام به قرب خدا» که در آیه ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^۵ اشاره شده است؛ چون کرامت داشتن عبد نزد خدا، خود اکرامی از خدا نسبت به او است؛ ولیکن با این حال بنده‌ای که برخوردار از نعمت‌های خدا است و یا نزد خدا محترم است، جزو مکرمین شمرده نمی‌شود؛ یعنی کلمه «مکرمین» به طور اطلاق درباره‌ او به کار نمی‌رود؛

۱. روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۲۶۹.

۲. ر.ک: آملی (صدوق)، ص ۴۰.

۳. یس، آیات ۲۶-۲۷.

۴. فجر، آیه ۱۵.

۵. حجرات، آیه ۱۳.

تنها این کلمه علی الاطلاق درباره دو طائفه از خلائق خدا به کار می رود:

۱) ملائکه در آیه **﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ يَعْمَلُونَ﴾** (۲۱) افرادی از مؤمنانی که ایمان شان کامل باشد، حال چه اینکه از مخلصین - به کسرۀ لام - باشند، که در آیه **﴿أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ﴾** نامشان آمده، و یا از مخلصین - به فتحه لام - باشند که در آیه **﴿إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ... وَهُمْ مُّكْرَمُونَ﴾** یاد شده است.^۴

ترمذی نیز در زمینه کرامت شهید می نویسد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَسْرُهُ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا غَيْرَ الشَّهِيدِ؛ فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا يَقُولُ حَتَّى أَقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِمَّا يَرَى مِمَّا أُعْطَاهُ مِنَ الْكِرَامَةِ.^۵

چنان که ریون نیز در مقاله خود به این مسئله اشاره کرده، به قدری این نعمت های، خاص و جایگاه و مقام شهید نزد خداوند بزرگ است که پیامبر اکرم ﷺ آرزوی شهادت های بسیار نموده اند.

عنه ﷺ: لَوَدِدْتُ أَنِّي أُعْزُو فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَقْتُلُ، ثُمَّ أُعْزُو فَأَقْتُلُ، ثُمَّ أُعْزُو فَأَقْتُلُ.^۶

در صورتی که هیچ گونه کرامت و ویژه ای در تبدیل شدن به پرنده وجود ندارد؛ همچنین در کتاب های معتبر شیعه احادیثی ذکر شده که اشاره به تناقض روایت «طائر» با کرامت مؤمن دارد؛ یاران امامان معصوم علیهم السلام به دلیل وجود پدیده «جعل حدیث» احادیث را به معصومان علیهم السلام عرضه می کردند و ایشان آن را تأیید، رد یا اصلاح می فرمودند؛ روایت «طائر» نیز از طریق چند تن از اصحاب خاص، به معصوم علیهم السلام عرضه شده و پاسخ ایشان در کتب اربعه گزارش شده است؛ برای نمونه در الکافی چنین آمده:

۱. انبیاء، آیات ۲۶-۲۷.
 ۲. معارج، آیه ۳۵.
 ۳. صافات، آیات ۴۰-۴۲.
 ۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۱۷.
 ۵. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۵۸۳.
 ۶. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۶۱، ش ۹۹۲۱.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَهَّابٍ الْحَنَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَزُورُونَ أَنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَوَاصِلِ طُيُورٍ خُضِرٍ حَوْلَ الْعَرْشِ فَقَالَ لَا الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ رُوحَهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ وَ لَكِنْ فِي أَبْدَانٍ كَأَبْدَانِهِمْ؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که وقتی از او پرسیدم: فدایت کردم؛ می‌گویند که ارواح مؤمنان در شکم‌های پرندگان سبز، پیرامون عرش قرار دارند؛ فرمود: نه؛ مؤمن در پیشگاه خدا، گرامی‌تر از آن است که روحش را در شکم پرنده قرار دهد؛ بلکه در بدن‌هایی مانند بدن‌هایشان قرار دارند.

همچنین در باب ارواح المؤمنین الکافی آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ فَقُلْتُ يَقُولُونَ تَكُونُ فِي حَوَاصِلِ طُيُورٍ خُضِرٍ فِي قَنَادِيلِ تَحْتَ الْعَرْشِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ رُوحَهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ يَا يُونُسُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ أَتَاهُ مُحَمَّدٌ ﷺ وَعَلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَيَّرَ تِلْكَ الرُّوحَ فِي قَالِبٍ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا فَيَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الْقَادِمُ عَرَفُوهُ بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا؛^۲ یونس بن ظبیان می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که فرمود: مردم درباره ارواح مؤمنان چه می‌گویند؟ عرض کردم: می‌گویند: آنان در شکم‌های پرندگان سبز در چراغ‌هایی زیر عرش هستند. امام صادق علیه السلام فرمود: سبحان الله؛ مؤمن در پیشگاه خدا، گرامی‌تر از آن است که روحش را در شکم پرنده قرار دهد؛ ای یونس اگر چنین بود، محمد ﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین و فرشتگان مقرب علیه السلام بدان اشاره می‌کردند؛ پس زمانی که خداوند عز و جل، جان او را قبض کند، آن روح را در قالبی مثل قالبش در دنیا قرار می‌دهد پس می‌خورند و می‌نوشند و زمانی که کسی نزدشان بیاید او را به همان صورتی که پیش‌تر در دنیا بود، می‌شناسد.

این روایت در کتاب‌های تهذیب الاحکام، منتقى الجمان و کتب روایی دیگر - همچون بحار الانوار به نقل از الکافی - آمده است.

۲. وجود اعتقاد به تناسخ در روایت «طائر»

در روایت «طائر» نوعی اعتقاد به مسئله تناسخ مطرح است. تناسخ یعنی روح انسان مرده‌ای به بدن انسانی دیگر و یا موجودی دیگر منتقل شود و باز در همین دنیا زندگی را ادامه دهد که عده‌ای از آن به تولد بعد از تولد تعبیر می‌کنند؛^۱ در صورتی که قرآن به صراحت از عدم بازگشت به دنیای خاکی خبر می‌دهد:

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ = لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^۲

هنگامی که مرگ هر يك از آنان فرا رسد می‌گوید: پروردگارا! مرا باز گردانید! شاید من در آنچه و نهاده‌ام، (بتوانم) کاری نیکو انجام دهم؛ هرگز! این سخنی است که او گوینده آن است و پیش‌روی آنان تا روزی که برانگیخته گردند برزخی خواهد بود.

قرآن افزون بر آنکه رجوع به دنیا را مردود شمرده، از انتقال روح انسان به جهانی به نام برزخ سخن می‌گوید؛ امام صادق علیه السلام راجع به اهل تناسخ فرموده‌اند:

اینان پنداشته‌اند که نه بهشت و جهنمی و نه برانگیختن و زنده شدن است؛ قیامت در نظر آنان عبارت است از اینکه روح از قالبی بیرون رود و در قالب دیگری وارد شود. اگر در قالب اول نیکوکار بوده، بازگشتن در قالبی برتر و نیکوتر، در عالی‌ترین درجه دنیا خواهد بود؛ اما اگر بدکار یا نادان بود، در پیکر بعضی از چهارپایان زحمتکش و باربر که حیاتشان با رنج و زحمت طی می‌شود، مستقر می‌گردد یا در بدن پرندگان کوچک و بدقیافه‌ای که شب‌ها پرواز می‌کنند و به گورستان‌ها علاقه و انس دارند جای می‌گیرد.^۳

در خبری دیگر آمده که مأمون به امام رضا علیه السلام عرض کرد: درباره کسانی که

۱. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۳۲.
 ۲. مؤمنون، آیات ۹۹-۱۰۰.
 ۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۸۹.

معتقد به تناسخ اند چه می فرمایید؟ حضرت در پاسخ فرمود:

کسی که تناسخ را بپذیرد و به آن عقیده داشته باشد، به خدای تعالی کفر ورزیده و بهشت و دوزخ را غیر واقعی تلقی کرده است.^۱

ممکن است این سؤال مطرح شود: آیا انتقال روح انسان به جسم مثالی نوعی تناسخ است؟ در صورتی که جسم مثالی بخشی از وجود انسان در دوران حیاتش در دنیا بوده و هم اکنون به برزخ منتقل شده است. عالمان توضیحات بیشتر و واضح تری برای جسم مثالی و عالم برزخ انسان دارند؛ به عنوان مثال علامه طهرانی در کتاب معادشناسی مینویسد:

مراحل وجودی انسان: طبع و ماده، ذهن و برزخ، روح و نفس انسان دارای سه مرحله است؛ اول: بدن او که به عالم طبع و ماده تعبیر می شود؛ دوم: قوای فکریه و تخیلیه که از آن به عالم مثال و صورت تعبیر می شود؛ سوم: روح و نفس او که از آن به عالم نفس تعبیر می گردد. این سه مرحله از هم جدا نیستند بلکه داخل یکدیگرند، نه مثل آنکه یک نخود را با یک لوبیا پهلوی هم قرار دهیم و نه مانند آنکه یک قاشق را داخل استکان و استکان را داخل ظرفی بگذاریم، بلکه بدن منفک از صورت و صورت منفک از روح نیست؛ بدن مندک در صورت و صورت مندک در نفس است.^۲

ایشان جهت ملموس ساختن درهم تنیدگی جهات وجود انسان، بادام و روغن آن را مثال زده و می نویسد:

بدن انسان مانند جسم دانه بادام است و عالم مثال و صورت انسان مانند روغن بادام و عالم نفس و روح انسان مانند جوهره و عصاره بادام.^۳

بنابراین وجود جسم مثالی در برزخ ارتباطی با مسئله تناسخ نداشته و بخشی از وجود انسان است، با توجه به توضیحات گذشته، دمیده شدن روح مؤمن یا شهید در «حوصله» یا «جوف» پرنده ای، به طور قطعی باطل و مخالف نص صریح قرآن و سنت است.

۱. سفینه البحار، ماده نسخ.

۲. معادشناسی، ج ۱، ص ۱۷۳.

۳. همان، ص ۱۷۴.

۳. تناقض روایات دال بر «جسم مثالی» در برزخ با روایت «طائر»

دسته‌ای روایات از طریق معصومان علیهم‌السلام وارد شده که با روایت «طائر» و انتقال روح به هرشیء یا موجود دیگری در تنافی بوده و جسمی مشابه جسم دنیوی از جنسی دیگر، اما در همان چهره و ظاهر را معرفی می‌کند. در بخشی از روایات عرضه، در موضوع نفی انتقال روح به «پرنده»، معصوم علیهم‌السلام آن جسم را معرفی می‌فرماید:

تِلْكَ الرُّوحُ فِي قَالِبٍ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا فَيَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الْقَادِمُ عَرَفُوهُ بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا.

یا فرموده: «لَكِنَّ فِي أَبْدَانٍ كَأَبْدَانِهِمْ».

این جسم، همان جسمی است که برخی فلاسفه آن را جسم مثالی نامیده‌اند؛ زیرا جسم برزخی شبیه جسم خاکی دنیوی است؛ توضیح آنکه:

روح انسان پس از مرگ و انقطاع از بدن مادی، خود را با بدن برزخی و قالب مثالی می‌یابد و می‌بیند. در واقع آدمی با رفتن از حیات دنیوی به حیات برزخی، بدن مادی خود را رها کرده و با بدن مثالی خود متحد می‌گردد؛ بدنی که با نظام برزخی متناسب بوده و اتحادش با روح از اتحاد آن با بدن مادی در زندگی دنیوی قوی‌تر است. قالب مثالی موجود در خواب می‌تواند ما را به بدن برزخی تا حدودی هدایت کند؛ هنگام خواب که تعلق روح به بدن مادی تا اندازه‌ای کم می‌شود و از حدود مادی تا اندازه‌ای آزاد می‌گردد، روح خود را با یک نوع تمثیل مثالی یافته و با بدنی شبیه بدن مادی و دنیوی می‌بیند. این شاهد روشنی است که روح انسان در صورت عدم تعلق به بدن مادی یا تعلق کم‌تر، قدرت تمثیل به بدن مثالی می‌یابد. انسان، هنگام خواب و خواب‌دیدن، خودش را با همان بدن می‌بیند با همان شکل و تصویر و این حکایت‌گر وجود بدن مثالی و قالب برزخی است که با انتقال روح از این عالم مادی به نظام برزخی به وجود نیامده بلکه قبلاً هم در آن نظام وجود داشته، اما ما از آن محجوب بوده‌ایم. اگر این حجاب را- که تعلق و توجه به نظام مادی و مادیات است- کنار زنیم، هم‌اکنون نیز خود را در آن قالب مثال

متمثل می‌بینیم؛ چنان‌که در خواب تا حدودی که تعلق روح به بدن مادی کم می‌شود، در حالی که بدن مادی ما در رختخواب افتاده و در حال آرامش است، خود را با بدنی مشابه با این بدن یافته و سیرها و حرکت‌ها و فهم‌ها و دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها و خوردنی‌ها و خواستن با آن داریم.^۱

هر چه روح از سرائر اعمال خود از نیک و بد و صالح و طالح در عالم برزخ مشاهده نماید از شئون روح و ذاتی او خواهد بود، همچنان که روایت شریفه «القبر اما روضة من رياض الجنة او حفرة من حفر النيران؛ قبر هر انسانی تمثیل باغی است از باغ‌های بهشت و یا حفرة و گودالی است از گودال‌های دوزخ» ناظر به این امر است.

۴. ردپای «زیدیه» در برخی از شکل‌های دیگر روایت «طائر»

پس از شهادت امام سجاد علیه السلام بیشتر شیعیان به امامت فرزندش، امام محمدباقر علیه السلام معتقد شدند، اما اقلیتی به زید شهید، که پسر دیگر امام سجاد علیه السلام بود، گرویدند و به زیدیه موسوم شدند.^۲ جعل روایات و تحریف احادیث از جمله اقدامات محدثان زیدی برای نفوذ در بین مردم و به خصوص شیعیان است. این احادیث که بیشتر در کتب اهل سنت ذکر شده، غالباً از حیث سند و متن مخدوش هستند و با هیچیک از مبانی امامیه سازگاری ندارد؛ از موارد تحریفات زیدیه، غلو در مقام «زید بن علی» از زبان پیشوایان امامیه است؛ برای نمونه آنان از امام صادق علیه السلام نقل کردند که فرمود:

به خدا قسم زید از ما برتر بود و خداوند در دنیا و آخرت مثل او برای ما نگذاشت.^۳

در منابع شیعی، اکثر روایاتی که اشاره به انتقال روح به حواصل یا اجواف طیور سبزرنگ شده، درباره «زید بن علی» است. این روایات نه سند متصل و کاملی دارند و نه محتوای عقلانی؛ مانند روایت «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام يُخْرَجُ مِنْ وُلْدِي رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ زَيْدٌ يُقْتَلُ بِالْكُوفَةِ وَيُصَلَّبُ بِالْكُنَاسَةِ يُخْرَجُ مِنْ قَبْرِهِ نَبْشًا يُفْتَحُ لِرُوحِهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ يَبْتَهَجُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ يُجْعَلُ رُوحُهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ أَخْضَرَ يَسْرُحُ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِلْحُسَيْنِ يَا حُسَيْنُ يُخْرَجُ مِنْ صُلْبِكَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ زَيْدٌ يَتَخَطَّى هُوَ وَأَصْحَابُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِقَابَ النَّاسِ غُرًّا مَجْجَلِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِلَا حِسَابٍ» که بدون

۱. خواب و نشانه‌های آن، ص ۵۸-۶۲.

۲. ر.ک: شیعه در اسلام، ص ۷۸.

۳. تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۷۵.

ذکر سند، مطلبی بیان شده و به وضوح جعل از سوی زیدیان واضح است.

جاعل در این روایت، صرف نظر از غلو در مقام معنوی زید، اصحاب او یعنی زیدیان را بدون حساب و کتاب اهل بهشت شمرده که با قرآن، سنت و مسلمات مذهبی دیگر موافق نیست؛ در این گونه روایات حتی با توجه به گوینده روایت و آشنایی با گرایش عقیدتی او می توان به قصد و غرض وی از جعل روایت پی برد؛^۱ به عنوان نمونه در روایت:

قَالَ أَبُو الْجَارُودِ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ إِذْ أَقْبَلَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ وَهُوَ مُقْبِلٌ قَالَ هَذَا سَيِّدٌ مِنْ سَادَاتِ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ الطَّالِبُ بِأَوْثَارِهِمْ لَقَدْ أُحْبِبْتُ أُمَّمٌ وَلَدْتُكَ يَا زَيْد.^۲

ابوجارود که یکی از رؤسای فرقه زیدیه است؛ با جعل حدیث و غلو در نقل فضیلت زید بن علی همچون دیگر بزرگان زیدیه به دنبال جلب توجه شیعیان دوازده امامی و تشویق آنان به گرویدن به فرقه آنان بوده است.^۳ بنا بر آنچه گذشت، روایت «طائر» با اشکال های اساسی روبه رو است؛ بر همین اساس دیدگاه ویم ریون درباره منزلگاه شهید قابل پذیرش نخواهد بود.

نتیجه گیری

در قرآن و روایات به این مسئله تأکید شده که شهیدان پس از شهادت وارد «جنات» شده و از نعمت های آن بهره مند می گردند؛ با توجه به روایاتی که در آنها از بهشت برزخی با همان عنوان «جنات» یاد شده و با توجه به برخی روایات مرتبط دیگر و تفصیلات مفسران، چنین بر می آید که «جنات»ی که شهیدان پس از شهادت در آن حضور دارند، همان بهشت های برزخی است؛ اما شهیدان از امتیازات ویژه دیگری بهره مند هستند که مؤمنان دیگر از آنها محروم اند؛ آیاتی که اشاره بر محشور شدن شهیدان دارد، نیز مؤید حضور آنان در بهشت برزخی است؛ بنابراین، دیدگاه حضور بلافاصله شهید پس از شهادت و قبل از وقوع قیامت در داخل بهشت جاویدان مردود می شود؛ همچنین روایاتی که بر حضور شهید در

۱. برای مطالعه انگیزه های جعل حدیث ر.ک: وضع و نقد حدیث.

۲. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳. ر.ک: تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۸۶.

نزدیکی بهشت دلالت دارد، چنانچه مفهوم آن نزدیکی بهشت، از باب تمثیل است و منظور همان بهشت برزخی باشد، مورد قبول است؛ همچنین در روایت «دستمال سعد بن معاذ»، اگر صدور روایت مذکور به فرض صحت آن، قبل از شهادت سعد بن معاذ باشد، به دلیل وجود کنونی بهشت و دوزخ، اشاره به تجسم اعمال نیک سعد دارد که در روز قیامت به وی اعطا خواهد شد؛ اما اگر این روایت پس از شهادت سعد بن معاذ صادر شده باشد، اشاره به بهره‌مندی سعد در بهشت برزخی دارد.

دیدگاه ویم ریون مبنی بر تبدیل شهیدان به پرندگانی که بر اساس روایتی ساختگی است، قابل پذیرش نیست؛ روایت مذکور به دلیل همنوایی با مسئله تناسخ، تناقض آن با جایگاه شهیدان و دارابودن آثاری از عقاید فرقه‌های انحرافی از نظر عقلی قابل قبول نیست؛ همچنین، این روایت مورد تأیید قرآن نبوده و در عرضه بر سنت نیز مردود است؛ بنابراین نمی‌توان چنین روایتی را پذیرفت و نقل کرد؛ به تبع آن، راهکار ریون در حل تعارض دو دیدگاه مربوط به جایگاه شهید - «شهیدان در بهشت» و «شهیدان در نزدیکی بهشت» - مردود بوده، نشان می‌دهد ریون در انتخاب روایات، رویکردی روشمند ندارد و انتخاب وی از روایات موردی و سلیقه‌ای است.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. الاحتجاج، محمد طبرسی، تحقیق: سید محمد باقر خراسان، نجف الاشرف: دارالنعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶ ق.
۳. الأمالی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران: کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. بحار الأنوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
۵. تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ ق.
۶. تفسیر و مفسران، محمد هادی معرفت، قم: موسسه فرهنگي التمهيد، ۱۳۷۹ ش.
۷. الثقات، ابن حبان، هند: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۳۹۳ ش.
۸. خواب و نشانه های آن، محمد شجاعی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸ ش.
۹. الדיباج علی مسلم، جلال الدين سيوطي، المملكة العربية السعودية: دار ابن عفان للنشر و التوزيع، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، محمد بن احمد فتال نيشابوري، قم: بی نا، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. سفينة البحار، عباس قمي، تهران: نشر صحت، بی تا.
۱۲. السنن، ترمذی، تحقیق و تصحيح: عبد الوهاب عبد اللطيف، بیروت- لبنان: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. شيعه در اسلام، محمد حسين طباطبائي، بوستان كتاب قم، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. فتح الباری و عمدة القاری، محمود بن احمد بدر العینی، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. الفتح السماوی، محمد عبد الرؤوف (المنأوي)، تحقیق: أحمد مجتبی، الرياض: دار العاصمة، بی تا.
۱۶. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دار الكتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۱۷. کنز العمال، علاء الدين متقى هندی، تحقيق: بكر يحيانى، بيروت: الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين بن محمد تقى نورى، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. المسند، احمد بن حنبل، بيروت-لبنان: دار صادر، بى تا.
۲۰. معادشناسى، محمد حسين حسيني طهرانى، تهران: حكمت، ۱۳۶۱ ش.
۲۱. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانى، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى، بيروت: دار احياء التراث العربى، دوم، بى تا.
۲۲. ميزان الحكمة، محمد رى شهرى، قم: مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. الميزان فى تفسير القرآن، محمد حسين طباطبايى، ترجمه: محمد باقر موسى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. وضع و نقد حديث، عبد الهادى مسعودى، تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. «بررسى دائرة المعارف ليدن»، محمدعلى رضايى اصفهانى، مجله قرآن پژوهى خاورشناسان، قم: جامعة المصطفى العالمية، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵ ش.

26. Encyclopaedia of the Qur'an (EQ). Volume three. J _O. Jane Dammen McAuliffe, General Editor. Brill, Leiden - Boston, ۲۰۰۳.

